

# بررسی انیمیشن Carmen Sandiego؛ کارمن و چهل دزد جهانی - دیجیاتو

نگار درستکارفر | دوشنبه، ۰۶ اسفند ۱۳۹۷

اقتباس نتفلیکس از این سریال و بازی قدیمی مانند نسخه‌های پیشین (که در ادامه بیشتر درباره‌شان خواهیم گفت) درباره یک ابردزد است که علاوه بر ارزش تاریخی از جهات دیگری جالب توجه است. در نگاه اول سندیگو شخصیتی به نظر می‌رسد که نیازی به داستان پیش زمینه ندارد. هرکس که نسخه ای از بازی رایانه ای یا ویدیویی آن را بازی کرده که همین محصولات منجر به خلق کت سرخ رنگ و کلاه شاپو او شد یا حتی یکی از سریال های تلویزیونی این بازی ها را دیده باشد سیر تا پیاز این شخصیت را درک می‌کند.

برای کسانی که با کارمن آشنایی ندارند باید گفت که این شخصیت ابردزد در اکثر نسخه ها، شخصیتی بود که همیشه پیش از آنکه دستگیر شود ناپدید میشد و یک دزد قهار و دست نیافتنی و دلسوز به شمار می‌آید. برخی دیگر او را شخصیتی به تصویر کشیدند که سرخ و پیام های جزئی برای آنانی که به دنبالش بودند باقی می گذاشت. بنابراین منطقی است که در نسخه جدید شخصیت اصلی با اهداف جدید کارمن سندیگو به اندکی معرفی مجدد نیازمند باشد.

فصل اول مجموعه جدید انیمیشنی نتفلیکس کار را با داستانی دو بخشی به نام «تبدیل به کارمن سندیگو شدن» آغاز می کند که در آن داستان کارمن (با صدای جینا رودریگز) از جایی که تنها نوزاد در جزیره ای از جنایتکاران آموزش دیده حرفه ای بین المللی است آغاز شده و تا دزد شدن او در سطح جهانی پیش می‌رود. با اینکه داستان کاملا از دید او روایت نمی شود اما این مجموعه بی شک به شخص او تعلق دارد و هر لحظه به جمع کسانی که می خواهند در طول داستان او را دستگیر کنند افزوده می شود.



شخصیت کارمن سندیگو بارها و بارها تبدیل به انیمیشن شده.

وقتی مجموعه از سد توضیحات ابتدایی می گذرد (یعنی پس از دو قسمت اولیه) به فرمت قسمت به قسمت هفتگی خود وارد می شود که در آن شاهد هستیم کارمن با جت یا استفاده از قایق موتوری دور دنیا می گردد تا آثار هنری نفیسی را از ماموران وایل پس بگیرد؛ وایل در حقیقت گروهی از دزدهای بین المللی هستند که کارمن زمانی آرزوی پیوستن به آنان را داشت اما حالا تبدیل به رقیب سرسخت آنها شده است.

در پی این ماجراجویی ها، مجموعه با موفقیت اندکی از عناصری که در بنمایه آموزشی آن است را به نمایش می کشد. یک برگه انیمیشنی شده پیش از سفر به هر کشور جدید نمایش داده می شود که در آن نمای کلی از صادرات بومی آن کشور، رسومات قابل توجه و جمعیت در قالب پویانمایی بصری چشم نواز درج می شود. موضوعی که می تواند برای مخاطبین کم سن و سال تر بسیار جذاب باشد.



در ورای بخش‌های داده ای که مناسب همه سنین است، کارمن سندیگو اندکی داستان شخصیت را با تبدیل شخصیت اصلی به دوگانه ای از رایین هود و ایندیانا جونز تغییر می دهد و از یک شخصیت یک بعدی که تنها سرکرده جنایتکاران است فاصله می گیرد. داستان درباره این شخصیت عمیق‌تر می‌شود و کارمن سندیگو تبدیل به یک شخصیت دوست داشتنی می‌شود.



ماموران مختلف و کنسول مرکزی وایل در ابتدا به عنوان مربیانی بشردوست و خیراندیش ترسیم می شوند، اما در ادامه آنها در حال نقشه چینی علیه کارمن می بینیم که نیروهایشان را به همه جا از اکوادور تا هلند ارسال می کنند. این گروه جدید تبهکاران زرق و برق مختص به خود دارند. و پیگیری ها و فعالیت هایشان بدون پتانسیل واقعی عکس العمل نیست؛ اولین ماموریت کارمن این است که به شکلی موثر یک تامین کننده بزرگ اندونزیایی را از خرابکاری اکولوژیکی حفظ کند.

با اینکه دشمنان کارمن همگی از پویایی مناسب بهره می برند اما آنهایی که درجه او هستند کمی بیشتر طول می کشد تا به جنب و جوش بیافتند. و با اینکه تیم خواهر/برادری زک و آیوی (با صدای مایل هاولی و ابی ترات) بسیار سرگرم کننده است و همانقدر که هکر تیم مقابل پلیر (فین ولفهارد) می تواند آموزنده باشد، همه آنان نقشی مشابه دارند و زیردستان انسان دوست داستان هستند.



آنها نزدیکترین امتیازات انیمیشن در برقراری ارتباط با مخاطبین جوانتر خود هستند اما با پیشروی مجموعه، آنها تبدیل به گروهی از بذله گویان می شوند. این کاراکترها نمونه ای هستند که نقش کارمن را در برخی اپیزودها کمرنگ می کنند ولی نمی توانند درست شکل بگیرند و تبدیل به یک شخصیت مکمل ناقص می شوند.

رودریگز صداپیشگی کارمن را برعهده دارد و کارمن شخصیتی است که اغلب اوقات اجازه می دهد اعمالش خود بیانگر همه چیز باشد. این نسخه از شخصیت کاملاً بر روی ویژگی فردی و لباس بنا نشده است. در تعقیب سوال های بی جواب درباره خانواده واقعی اش با از میان برداشتن کسانی که می توانند به دشمنانش تبدیل شوند، او همانقدر گیراست.



هدف اکثر نبردهای تن به تن اکثر اپیزودها بین کارمن و تعقیب کنندگانش هیچ وقت این نیست که این ماموران خود را در راه به دست آوردن نقاشی های دزدیده شده مصدوم کنند. اما مجموعه با هدایت شخصیت هایش به سوی سلاح هایی که قلاب از خود رها می کنند و وسایل ردیابی جی پی اس در عوض گلوله خطر نمی کند. در اصل، این مجموعه از لحاظ اینکه در انتها به مصاف ساده عقل در برابر زوربازو منتهی نمی شود بسیار ارزشمندتر است. مشاهده این رویارویی ها بین نیروهای وایل، تیم کارمن، و سایر جبهه های دخیل جالب توجه است چراکه مانند شخصیت اصلی زن آن اکثر افرادی که می جنگند از تمامی این وسایل و سلاح ها به اندازه کافی در اختیار دارند.



برخی از آن جاه طلبی لایه لایه راه خود را به سبک انیمیشن نیز باز کرده است. و این سبک تنها به سکانس های تعقیب و گریز با اتومبیل و دویدن در دورنمای کران شهرهای بین المللی محدود نیست، کارمن سندیکو خط نوآورانه و هیجان انگیزی را در به نمایش گذاشتن پیشرفت های تکنولوژیکی و وسایل حمل و نقل وایل از خود نشان می دهد.

یکی از دشمنان مدرسه کارمن نوعی سلاح تخلیه انرژی در اختیار دارد که در تضاد با خطوط دوبعدی تمیز و دقیق زمینه انیمیشن است. یک سکانس چتربازی در بخش های ابتدایی مجموعه وجود دارد که در آن از ارتفاعات سرگیجه آور تا امنیت زمین را به تصویر می کشد. مناطق وقوع داستان تغییر می کند- یک سفر زیردريا، یک سفر به صحرا، یک مانور تر و تمیز در تالارهای یک موزه هنر- اما بازه ی شخصیت های طراحی شده تضمین می کند که نبرد انسان ها بر سر این گنج ها به اندازه کافی به داستان جنب و جوش می بخشد.



بنابراین کارمن سنديگو از سنت سرگرمی آموزشی پیروی می کند اما درس هایی ورای کتب درسی در خود جای داده است. این مجموعه یک دوره فشرده در سبک جاسوسی مهیج را به شکل تلویحی عرضه می کند و در عین حال به مخاطبان جوانترش یک مدخل آموزشی به دنیایی بزرگتر ارائه می دهد.

در این مجموعه قدرت کار گروهی به شکلی متناوب حس می شود. و در عوض گذاشتن ارزش مالی یا باردارندگی بر روی این آثار هنری که هدف دزدی واقع شده اند، بزرگترین درس در اینجا مهم و پرپاداش بودن محافظت از چیزهاییست که ارزش حفظ کردن دارند. این مسئله همیشه یادآوری مفید است.

[دیجیاتو](#)